

نامه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به استاد سعید نفیسی

عبدالحسین طالعی

این نامه را مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به استاد سعید نفیسی در سال ۱۳۵۷ قمری (۱۳۱۷ ش) پس از انتشار کتاب ایشان در شرح حال شیخ بهایی نوشته است. نامه، شامل استدراکاتی بر کتاب، و پس از آن تذکراتی در نقد آن است.

نامه، نشان دهنده پیوند استوار میان آیت‌الله مرعشی با صاحب نظران دانشگاهی در حدود هفتاد سال قبل، و نمونه‌ای از نقد سالم و منصفانه است. علامه امینی نیز در جلد یازدهم الغدير ضمن شرح حال شیخ بهایی نکاتی در نقد این کتاب آورده است. البته این موارد، جایگاه کتاب نفیسی را به عنوان "الفضل للمتقدم" نفی نمی‌کند؛ ولی به هر حال، نقد همواره جایگاه خود را در نظام اندیشه و دانش دارد.

باری، اصل نامه در ضمن اسناد استاد سعید نفیسی بوده و اکنون به شماره «۹۲۲۳» در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، که برای نخستین بار انتشار می‌یابد. در اینجا از سرکار خانم سوسن اصیلی که تصویر نسخه را در اختیار بنده قرار دادند، سپاسگزاری می‌کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از طی مراتب مراسم در باب اخلاص، به عرض شریف می‌رساند آن‌که چند روز پیش، یکی از دوستان، کتابی در ترجمه مرحوم شیخ بهائی، از اثر قلم افادت‌شیم به حقیر ارائه داد و یک دوره، سیر در او شد.

الحق زحمتی کشیده و رنجی برده‌اید و یادگاری از وجود محترم باقی مانده؛ و در طی مطالعه برخوردارم به پاره‌ای از مطالب، در اطراف آن خواستم مختصر اشاره نمایم.
(۱)

مرآة الاحوال جهان‌نما که از او نقل می‌فرمایید، مؤلفش مرحوم حاج آقا احمد است. پدرش آقامحمدعلی صاحب مقام‌الفضل، پدرش مرحوم آقاباقر معروف به وحید بهبهانی است. و مرحوم مؤلف مرآة، از بزرگان روزگار بوده؛ بهائی عصر خود بوده در احاطه به فنون مختلفه؛ قریب صد کتاب و رساله تألیف نموده، از جمله: مرآة الاصول، و کتاب قوت لایموت در فقه که در مسافرت هندوستان تألیف نموده، و کتاب حاشیه بر [تفسیر] بیضاوی، و [حاشیه] بر مجمع البیان، و [حاشیه] بر مجمع البحرین، و [حاشیه] بر معالم، و [حاشیه] بر شرح لمعه، و [حاشیه] بر فوائد تونی، و [حاشیه] بر رجال کبیر، و [حاشیه] بر مختصر حاجبی، و [حاشیه] بر جامی، و نورالانوار در شرح بسم الله الرحمن الرحیم، [و] الدرر الغرویه در اصول [و] شرح بر مختصر نافع [و] المحمودیه [که] حاشیه‌ای است بر صمدیه شیخ بهائی و غیرها. ولادت ایشان در کرمانشاهان، شهر محرم الحرام سنه ۱۱۹۱. و از تألیف ایشان نیز رساله تنبیه الغافلین در ذم صوفیه.

و مشایخ علمیه ایشان: سید بحر العلوم و صاحب ریاض و کاشف الغطاء و حاج میرزا محمد مهدی شهرستانی و غیرهم.

و مشایخ روایتی ایشان: اشخاص مذکورین، بعلاوه مرحوم ملاحمزه طبسی که ساکن طبس و اصلاً قاینی بوده [است].

اولاد ایشان فعلاً [چند] خانواده هستند در کرمانشاهان و همدان و هندوستان و آگره، آنها از نسل مرحوم آقامحمدابراهیم پسر مؤلف مرآة الاحوال می‌باشند، و بعضی از نسل مرحوم آقامحمد.

مسافرت‌های عدیده نموده: هندوستان، یمن، سوریا، عراق عرب، مصر. از علوم غریبه هم بی‌بهره نبوده، چنانچه از نوشتجات ایشان مستفاد می‌شود.

قبرش علی‌الظاهر در کرمانشاهان جنب قبر والد خود آقامحمدعلی است، در بقعه واقع در خارج شهر، معروف به "سر قبر آقا".

(۲)

از نسل شیخ بهائی، غیر از چند سلسله که اسم برده‌اید، هستند، از جمله در جبل عامل، در بلده "بنت جُبیل" که طائفه‌ای هستند از نسل ایشان؛ و از ایشان است آقای حاج محمدابراهیم جبل عاملی که از علماء قم می‌باشند، فعلاً. و نیز از نسل شیخ، طائفه‌ای در آستان رضوی هستند، غالباً هم دارای خدمت در عتبه هستند.

و نیز در کاشان طائفه‌ای هستند، و نیز در اطراف تبریز طائفه‌ای هستند. و تمام این طوائف، منتسب به ایشان هستند علی‌المشهور. و آنچه را که اطمینان هست به انتسابشان، ساکنین جبل عامل است، نظر به مدارک موجوده نزد خودشان.

(۳)

در صفحه ۴۱ در سطر آخر، "حسین بورینی" سهو قلم است، و صحیح، "حسن بورینی" است، و او از مشاهیر علماء عامه است [که] تألیف زیاد دارد.

(۴)

در تعداد شاگردان شیخ، بسیاری از قلم افتاده [اند]:
از جمله: سیدجلیل سیدحسین معروف به خلیفه سلطان و سلطان العلماء الحسینی المرعشی، المتوفی سنة ۱۰۶۴، داماد شاه عباس کبیر؛
و از جمله: فاضل ضیاء آبادی قزوینی که از اخصّ خواصّ شیخ بوده و ملحقاتی به صحیفه کامله تألیف نموده [که] نسخه نزد حقیر موجود است؛
و از جمله: سید عبدالرزاق کاشانی است که در فلکیات ماهر بوده و قبرش در کاشان است، چنانچه در ریاض العلماء تصریح فرموده [است]؛
و از جمله: مرحوم عیسی بیگ که پدر علامه دوران میرزا عبدالله افندی است، و او از اجلاء تلامیذ شیخ بوده، چنانچه پسرش در ریاض العلماء فرموده، و بعضی مجلدات ریاض نزد حقیر موجود است؛

و نیز از شاگردان شیخ، سیدجلیل قاسم بن محمدالحسنی الطباطبائی القهبائی الزواری است. در جامع الرواة فرموده: ایشان در حدیث، از تلامیذ شیخ بوده‌اند.

(۵)

از جمله شروح تشریح الافلاک:

شرح آقا سیدعلی الحسینی المرعشی، معروف به سیدالاطباء تبریزی، المتوفی سنة ۱۳۱۶؛

و از جمله: شرح مرحوم میرزا علی اکبر شیرازی، منجم دربار کریم خان زند که تألیف بسیار دارد، از جمله شرحی بر قبلة شرح لمعه [که] به فارسی نوشته [است]؛

و از جمله: شرح مرحوم میرزا حسن پسر صاحب گوهر مراد؛

و از جمله: شرح میر عبدالواسع بن میر محمد مهدی الحسینی الخاتون آبادی است که در سنه ۱۱۵۱ وفات نموده و قبرش در قبرستان آب‌بخشان اصفهان بود؛

و از جمله: شرح یگانه علامه قرون اخیر، میرزا محمدعلی معروف به حزین که در بنارس هندوستان مدفون است؛

و از جمله: شرح میرزا محمد بن جهان‌بخش مازندرانی است که در سنه ۱۱۲۰ (۱۳ شعبان) وفات نموده و قبرش در قبرستان آب‌بخشان اصفهان است.

(۶)

در ضمن شروح تشریح الافلاک شرح شیخ ابوالحسن الشریف را نوشته‌اید. ایشان مرحوم آقا میرزا ابوالحسن معروف به شیخ الاسلام و شیخ‌المحققین اصطهباناتی شیرازی است که از مشاهیر علماء و حکماء متألهین در زمان مرحوم شیخ مرتضی انصاری بوده [است]. مسکن ایشان تا اواخر عمر، اصطهبانات بود. کتب بسیاری دارد، از جمله کتاب سلسبیل است در عرفان به فارسی که در بمبئی به طبع رسیده و از تلامیذ ایشان، والد حقیر مرحوم سید محمود نجل مرحوم سیدالاطباء الحسینی التبریزی است. وفات مرحوم والد سنه ۱۳۳۸ می‌باشد. و خلف مرحوم شیخ الاسلام، آقای شیخ‌المحققین - که از علماء و فضلاء فارس هستند - می‌باشد.

(۷)

از جمله شروح خلاصه الحساب:

شرح مرحوم شیخ نظام الدین مرتضی بن محمد شیخ الاسلام الرشتی است که در سنه ۱۳۳۶ در بلده رشت وفات نموده [است]، جنازه ایشان حمل به بلده قم شده و در مزار علی بن جعفر دفن گردید، و ایشان از تلامیذ آقا شیخ هادی طهرانی و حاج میرزا حبیب الله جیلانی هستند، تألیف و تصنیف زیاد دارند، از جمله: ارشادالصبيان در عقاید که به طبع رسیده [است]، و اسم شرح خلاصه، تشریح الحساب است؛ و از جمله شروح خلاصه: شرح ملا عصمت الله بن اعظم بن عبدالرسول سهانپوری هندی است به عربی، [که] از علماء عامه و بسیار شرح خوبی است، به خط خودش نزد حقیر موجود است، در سنه ۱۰۸۶ از تألیف او فارغ شده، اسمش: انوار خلاصه الحساب؛ و از جمله شروح خلاصه: شرح مرحوم سیدعلی سیدالاطباء تبریزی است که در سنه ۱۳۱۶ وفات نموده و ایشان جدّ حقیر بودند؛ و از جمله شروح خلاصه: شرح سیدحسین الحسینی المرعشی، معروف به خلیفه سلطان و سلطان العلماء می باشد؛ و از جمله: شرح میرزا محمد اخباری معروف که در کاظمین کشته شده، صاحب کتاب دوائرالعلوم و منیه المرئاد و غیرهما؛ و از جمله: شرح مرحوم استاد من آقا میرزا محمود اهری تبریزی که مدرّس ریاضیات و فنون مختلفه در نجف اشرف بودند؛ و از جمله: شرح شیخ عبدالنبی کاظمی، المتوفی سنه ۱۲۵۶، صاحب کتاب تکملة الرجال [که] در هندوستان به طبع رسیده [است].

(۸)

از جمله شروح وجیزه شیخ در درایة الحدیث:

شرح استاد حقیر در رجال و درایه، مرکز الاجازة، شیخ الروایة، مرحوم آقای آقاسید حسن صدرالدین موسوی است که در بلده کاظمین ساکن بودند، سنه ۱۳۵۴ وفات نمود، تألیف بسیار دارد، از جمله کتاب الشیعة و فنون الاسلام است که در صیدا به طبع رسیده [است]؛

و از جمله: شرح استاد من مرحوم آقای حاج میرزا علی حائری شهرستانی مرعشی است که در طهران با رسائل فقهیه، چندی از تألیفات به طبع رسیده [است]؛
و از جمله: شرح مرحوم استاد من خاتم‌المحدثین آقای حاج شیخ محمد باقر بیرجندی، صاحب کبریت الاحمر فی شرائط المنبر می باشد که در طهران به طبع رسیده [است].

و از جمله شروح: شرح خود حقیر سید شهاب‌الدین نجفی الحسینی مرعشی است که به طبع نرسیده، در زاویه خمبول باقی است؛
و از جمله شروح: شرح سید علی‌النواب پسر سید حسین الحسینی المرعشی، معروف به سلطان العلماء و خلیفه سلطان، که قبرش در نجف اشرف در سردابه قبر علامه حلّی است.

(۹)

رساله ذبیح اهل کتاب را که در صفحه ۱۶۵ اسم برده‌اید، در طهران با قریب به سی رساله در فنون مختلفه به طبع رسیده و آن مجموعه در لسان اهل علم معروف است به کلمات المحققین یا رضاعیات.

و شروح چندی بر رساله ذبیح نوشته شده، از جمله:
شرح فاضل جواد است که تلمیذ مصنف بوده، در نجف اشرف، در کتابخانه مرحوم آقا سید محمد بحر العلوم موجود [است]؛
و شرح شیخ احمد جزائری است صاحب آیات الاحکام که در کاظمین، جزء کتابخانه استاد من آقای آقا سید حسن صدرالدین موجود است.

(۱۰)

یکی از آثار علمیه شیخ بهایی، قصیده‌ای است غزّاء، معروفه نزد اهل ادب عربی به فوزالامانی یا نیل‌الامانی در حق حضرت حجت منتظر فرموده، و در ذیل مخلاطه طبع شده و شروح بسیاری دارد، از جمله شرح علامه معاصر و صدیق شفیق من، آقاشیخ جعفر نقدی قاضی محکمه شرعیه در عماره از بلاد عراق و در دو جلد است، به طبع رسیده، بسیار شرح لطیفی است و اسمش من‌الرحمان است.

(۱۱)

مخلاة شیخ بهائی ۵ جلد است. نسخه اش در کتابخانه مرحوم حاج سید عبدالصمد در خوزستان موجود است. و آنچه به طبع رسیده، جزئی از اوست، و مشتمل است بر تحریفاتی از طبع کنندگان به جهت پاره‌ای از اغراض. و این شیوه غیر مرضیه جاری است در بین مصری‌ها و غیرهم، چنانچه بر ملاحظه کنندگان مخفی نیست.

(۱۲)

اساتید حقیر، از جمله مرحوم والدیم دعوای رؤیت می نمودند که کتبی از شیخ دیده‌اند در علوم غریبه، یکی مسمی به تاج، و دیگری طرزین، و دیگری منتشا، و دیگری سفرنامه، والله العالم.

(۱۳)

از جمله تألیفات شیخ که خود حقیر در کتابخانه‌ها دیدم:
یکی تفسیر کوچک مختصری است بر سوره شریفه توحید؛
و رساله در جواب سؤال شاه‌عباس که در شکارگاه، خوکی را شکار نموده بودند و بر دندان جلوین او نقشی بود به خط صریح، لفظ جلاله؛
و رساله تفاحه در علم مساحه. و این غیر از تفاحه فی علم المساحه است که در ضمن مجمع‌المتون در مصر و آستانه به طبع رسیده، چه او از تألیف ابناء عامه است؛
و نیز از تألیفات شیخ که خودم دیده‌ام:
رساله‌ای است در معنی ولایت و امامت و اثبات آن مرتبه شامخه پس از رحلت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - به جهت حولی الموحدین امیرالمؤمنین - علیه السلام -؛
و رساله در معنی کفر و شرک؛
و شرح قصیده عینیه حمیری: لأم عمرو باللوی مربع، الخ؛
و حاشیه بر اشارات، ناتمام؛
و رساله در شرح این عبارت علامه در قبله عراق: ویستحب لهم التیاسر الی یسار المصلی.

و غیر از اینها تألیف دارد که به تدریج به نظرم برسد، اسماء آنها را تقدیم می‌کنم.

(۱۴)

اشعار بسیاری دارد غیر آنچه که در سلافه یا نشوة السلافة نقل شده، از جمله اشعار ایشان است:

لشوق الی طيبة جفنی باکی لوصار مقامی فلك الأفلاك
استنکف إن مشیت فی روضتها فالمشی علی اجنحة الأملاك

و نیز از اشعار ایشان است در مدح حضرت امیر - علیه السلام -:

هذا النبأ العظیم ما فیہ کلام هذا لملائك السماوات إمام
من یمّم بابه ینل مطلبه من طاف به فهو علی النار حرام

و نیز از اشعار ایشان است:

من أربعة وعشرة امدادی فی ستّ بقاع سکنوا یا حادی
فی طيبة والغریّ مع سامراء فی طوس و فی کربلا و فی بغداد

و یکی از دوستان من نقل نمود که اشعار شیخ را یکی از تلامیذش جمع آوری نموده و دیوانی شده، والله العالم.

(۱۵)

از جمله تألیفات مشهورة ایشان، رساله توضیح المقاصد است در وقایع ایام، که به طبع رسیده و سرکار هم در عداد تألیفات ایشان اسم برده اید.

و این نسخه، متمماتی دارد. از جمله متممی است که مرحوم سید بهاء الدین محمد المختاری الحسینی النائینی تألیف فرموده است. و او از معاصرین مجلسی ثانی بوده و اسم کتاب تفریح القاصد لتوضیح المقاصد [است]. و او را در سنه ۱۱۰۸ تألیف فرموده و اصل نسخه به خط شریف مؤلف نزد حقیر موجود است.

(۱۶)

در طی مطالعه کتاب شریف ترجمه احوال شیخ بهایی در صفحه ۵۵ برخوردیم به کلماتی و بیاناتی در خصوص بعضی از بزرگان و علماء کرام که در علمیات، خدماتی نموده [اند]، مانند محقق اردبیلی که مقام شامخ ایشان در فقه، از شرح ارشاد و در عقلیات، از حاشیه ایشان بر شرح تجرید، و در ریاضیات، از خلاصه الهیه و در رجال، از تعالیق بر رجال کشی معلوم می شود.

و مقام ورع و زهد و تجنّب از حکام دنیای ایشان، شهره آفاق است. حتی برخوردارم در کلمات ذهنی افندی - که کاتب سفارت عثمانی بوده در اصفهان - به تعبیری در حقّ محقق مذکور، که مفادش این است [که] این شخص، روح مجرد است، اصلاً کأَنَّهُ علاقه‌ای از علائق دنیوی را دارا نبوده و نیست، الخ. و حیف است قلم شخص مورّخ به این گونه کلمات درباره این گونه اشخاص آلوده شود. و بدیهی است تصدیق می‌فرمایید که مورّخ باید به کلی در نوشتجات خود، اکتفاء نماید به بیان آثار و سیّر و تراجم؛ چون مقام تاریخ نویسی مقامی است و مقام نقد و اعتراض و تعریض، مقام دیگر، و بزرگان اخلاق و بلاغت فرمودند: "لکل مقام مقال".

و سرّ لزوم صیانت اقلام مورّخین از اغراض، آن است که اگر شوب غرضی باشد، کتاب و کلمات مورد استفاده عمومی نخواهد شد، و به مقام اعتبار او خللی متوجه خواهد شد. و البتّه این نقض غرض نویسنده است که میل تمام و شوق اکید و جدّ وافی دارد بر این که کتاب او، مدی الدّه‌ور و الایام، مرکز افاده و نقطه استفاده و استفاضه باشد.

ولی متأسفانه که این نکته بزرگ، مورد عنایت اکثر ارباب قلم تاریخی معاصرین نیست، چنانچه واضح می‌شود بر سیرکننده پرتو اسلام آقای اقدام و مقدمه خاندان نوبخت آقای اقبال و و و و.

به عکس، اگر انسان از نویسنده احساس نمود که در مقام مشاجره نیست، و به قول عوام: در ضمن دعوی نرخ طی نمی‌کند، به قدری سکون نفس و اطمینان خاطر به او می‌رساند که نهایت ندارد.

البته ملاحظه فرموده‌اید تذکرة شاه طهماسب صفوی را که حقیقه واقعیات را درج نموده، در هر قضیه خائف بوده، از طرف صریحاً نوشته؛ و هر جا مغلوب شده، اشاره نموده بدون اسناد کلمات مزریه [کذا فی المتن] به طرف.

و هم چنین عنایت فرموده‌اید به کتاب تحفة سامی که تذکرة الشعراء سام میرزا پسر مرحوم شاه اسماعیل می‌باشد، و نظیر اینها از کتبی که تعداد آنها مورث کلال و ملال خواهد [بود].

و خداوند را شاهد و گواه خود می‌گیرم که در این عرایض، غرض و مرضی در کار

نبود. ولی حیف و افسوس خوردم که مبادا در قرون آتیه، به قلم افاضت شعاری مثل وجود محترم سرکار - که از کتاب این عصر هستند - مناقشه‌ای بشود. و بدیهی است [که] انسان مرکز سهو و نسیان است. والجراد قد یکبو، و الصارم قد ینبو. و لا معصوم الا من عصمه الله.

بزرگش نخوانند اهل خرد
که نام بزرگان به زشتی برد
اکرم کریم کل قوم.

میل داشتم مجلس مذاکرات همین محقق اردبیلی را با مرحوم شیخ بهائی در نجف اشرف - که در بعضی از مجامیع قلمیه ثبت شده - ملاحظه می فرمودید، و کوچکی‌ها و خضوع‌ها و خشوع‌هایی که شیخ نسبت به این شخص بزرگوار الهی ربّانی می نماید، می دیدید؛ با آنکه این وقعه در زمان مشیخة الاسلام بودن شیخ اتفاق افتاده [است].

زیاده مصدع نمی شود. بسیار - بسیار معذرت می خواهم از زبان درازی! از باب مزید اخلاص و استماع خصال حمیده آن جناب، این اندازه جسارت ورزیدم. البته گاه گاهی به زیارت رقایم شریفه مفتخرم خواهید فرمود.

اخیراً کتاب اعیان الشیعة تألیف حجت الاسلام آقای آقا سید محسن عاملی نزیل شام به طبع رسیده، یعنی تا ۱۵ جلد به طبع رسیده، در احوال علماء شیعه، و بقیه تحت طبع است. چه قدر خوش بود یک دوره تهیه می فرمودید. به توسط کتابخانه‌های طهران بطلبید. در بغداد، نسخه موجود است.

الراجی ابوالمعالی المشهور بالسید شهاب الدین النجفی الحسینی المرعشی
النسابة

۱۳ رجب ۱۳۵۷

عنوان: قم - سید شهاب الدین نجفی